





به نام قلم

خرتلاق

به قلم روشنیان

سهو



۳۴ صفحه
زمستان ۴۰۴

- آلو پلیس بین الملل بفرمایید.
- یه پیتزا می خواستم.
- بله؛ آدرس بفرمایید.
- ایران...



جهانی در من است فراتر از آنچه خدای
خیالی شما خلق کرده است...



فاصله مناسب را حفظ کن؛ سرشار
ویروس بی‌کسی هستم...



رقص کولی با کلاشینکف روسی را به
بوسه‌ی سرباز فراجا ترجیح می‌دهی؛ اما
این و آن یک چیز در دل دارن به موی
بانوی خیال قسم...



آتش به خرمن تنهایی زدم و به سان
ریزعلی به سوی قطار مرگ دویدم...



حریم امن من آغوش مادر بود...



خ

در این زندان همگانی سجده جز بر مادر بر
تمام ما حرام باد...



جنون را به اندیشه دوختم و زخم حاصل از
سوزن آلوده ملتمس به واکسن کزار
نگریست؛ اما جامعه‌ی پزشکی
سرسپرده‌ی نهادهای قدرت بود...



دندان شکسته میان زخم کهنه...



...



ز

محو تماشای شراره‌های آتش یار...



س

بوسه بر دار می زنم...



ش

تبادل و بقا را مرعوب رعش اسلحه كن...





اشک آن مهدی یاری که منتظر رسیدن
عطر یاس از آغوش پسر نرگس به
مشامش بود را آب وضوی عشق کن...

شمر را رحمت می فرستند آنان که این
مسلمانی کدر و کثیف شما را دیدند...



گلوله جواب نعره‌ی حق‌طلبی قهرمان
ایران شد...



آنها اینترنت را قطع کردند و مردم را
کشتند...



بگردید؛ بگردید تا ببینید جاسوس کنار
اتاق حاکم کمین کرده است؛ میان زندگی
هنرمند به دنبال چه می‌گردید؟



غ

جیب‌هایم خالی است؛ خالی از هر چیزی
که فکرش را بکنی...



سنگ را بیاور بربری را پس بزن؛ البته من
تافتون را ترجیح می دهم...



از ارتفاع ترک سیگار لغزیدم به انبار اسکار
سفید و ناپولی...



حکومت غیرقانونی است...



ل

- کیستی؟

- تو بهتر می دانی...



هدایت در پر-لاشز خواب است...



سرشار از امید به زندگی...



کابوس و رویا ازدواج کردند...



هذیانی دگر به مرکب بی دوات...



بالاخره این تب سوزان کار دستت خواهد داد...



من فقط هذیان‌هایم را می‌نویسم...



پایان

ROSHANIYAN.COM

@RoshaniyanSAHV



ادبیات زیرزمینی را به دوش کشیدم...

برزیل ۳۱ تا فرانسه ۴۷...



تخم مرغ عامل اغتشاش...